

# تاریخی نظریہ

اسلام ناب۔ اسلام امریکایی

۳

مجتبے نامخواہ



# نظریه اسلام ناب-اسلام آمریکایی، از امام خمینی تا رهبر انقلاب

« نظریه‌ی اسلام ناب-اسلام آمریکایی »

اگرچه در ابتدا از سوی امام خمینی رحمه الله طرح شد، اما بعد از ایشان، توسط رهبر انقلاب نیز ادامه یافت و تعاریف و جنبه‌های بیشتری نیز به آن افزوده شد. برای مثال، رهبر انقلاب در پیام حج امسال، سه مسئله‌ی کلیدی جهان اسلام را «اتحاد مسلمانان»، «مسئله‌ی فلسطین» و «مسئله‌ی درک تفاوت

اسلام ناب-اسلام آمریکایی» معرفی کردند. در این میان، دو مسئله‌ی اتحاد جهان اسلام و مسئله‌ی فلسطین، همواره تا حدودی در ذهن و زبان نخبگان امت مطرح بوده، اما به نظر می‌رسد مسئله‌ی سوم آن‌چنان که باید، ضریب نگرفته و مورد توجه قرار نگرفته است. حال آنکه امروزه با تحولات شگرفی که در منطقه حادث شده، اهمیت پرداختن به این مسئله صدچندان شده است. یادداشت زیر تلاش می‌کند تا به‌عنوان گام نخست،

تکوین این نظریه و ادوار تاریخی آن را در کلام امام خمینی رحمه الله و رهبر انقلاب، مورد بررسی قرار دهد.

غیبت و مہجوریت نظریه کلیدی امام خمینی

دوگانه‌ی اسلام ناب-اسلام آمریکایی به‌مثابه‌ی یک ایده‌ی محوری و به‌نوعی همزاد تاریخی و معرفتی انقلاب اسلامی است. با این همه، کمتر به جایگاه شایسته‌اش در میان فعالان دلسوز جهان اسلام دست یافته

است. از زمینه‌های سیاسی-اجتماعی و منفعت‌محور مہجوریت این ایده که بگذریم، برخی خطاهای روش‌شناختی، این نظریه‌ی کلیدی را تا حدودی از دسترس خارج کرده است.

یکی از مهم‌ترین خطاها در این زمینه، تلقی خطابی از این مفهوم است؛ این تصور که اسلام ناب-اسلام آمریکایی صرفاً یک ترکیب شعاری و صورت‌بندی جدلی است و حداکثر یک سری مصرف‌های تبلیغاتی در

جهان و انتخاباتی در ایران و یا مانند آن دارد. این تلقی باعث شده است یکی از پُربسامدترین مفهومی‌سازی‌ها در نظام اندیشه‌ی امام خمینی رحمه‌الله، آن‌چنان‌که باید، مورد توجه جامعه‌ی علمی قرار نگیرد. شاید تا حدودی غیرقابل باور باشد، اما تقریباً هیچ تحلیل، کتاب یا برنامه‌ی پژوهشی جدی نیست که کاری در این زمینه ارائه کرده باشد. در حالی که «اسلام ناب-اسلام آمریکایی» به‌عنوان عصاره‌ی اندیشه‌ی امام

خمینی رحمه الله، یک تئوری جامع است که قابلیت تبیین بسیاری از شکاف‌ها و پدیده‌های اصلی جهان اسلام را دارا است و می‌تواند به مثابه یک اندیشه‌ی بدیل، از بسیاری از مسائل به ظاهر غیرقابل حل موجود، صورت‌بندی جدید و راهگشایی دست دهد.

خطای کلیدی بعدی، متوجه بازخوانی‌های غیرضابطه‌مندی است که از این مفهوم انجام شده است. اغلب درباره‌ی اسلام ناب بسیار

سخن گفته می شود. به یک معنا، تمام کسانی که در تمام حوزه‌های تفکر اسلامی در حال پژوهش یا سخنرانی هستند، مدعی هستند درباره‌ی اسلام ناب کار می کنند. اما باید توجه داشت مراد از تئوری اسلام ناب-اسلام آمریکایی، مفهوم اسلام ناب در کلیت خود نیست، بلکه مفهوم و تمایزی است که به وسیله‌ی امام خمینی رحمه الله طرح و صورت بندی شده است. این بصیرت مهم در پیام حج رهبر انقلاب به روشنی برجسته شده



است: «نخستین بار امام راحل بزرگ ما به تمایز این دو مقوله همت گماشته و آن را وارد قاموس سیاسی دنیای اسلام کرد.»<sup>۱</sup> بی توجهی و عدم بازخوانی تمایزی که امام خمینی رحمه الله میان این دو مقوله تبیین کرده، برداشت‌های متفاوت و گاهی متضاد را ذیل این مفهوم جای داده است.

# ادوار نظریه «اسلام ناب-اسلام آمریکایی

نظریه‌ی اسلام ناب-اسلام آمریکایی، یکی از بنیانی‌ترین وجوه اندیشه‌ی سیاسی و اجتماعی امام خمینی رحمه‌الله، ادواری را طی کرده است. فهم این ادوار، زمینه‌ی مناسبی برای درک معنای این نظریه دست می‌دهد. در ادامه تلاش می‌شود تصویری از این دوره‌ها به اختصار به بحث گذاشته شود.

با بررسی متونی که امام خمینی رحمه الله در زمینه‌ی این نظریه نوشته یا بیان کرده‌اند، می‌توان شکل‌گیری این نظریه را تشریح کرد. پس از امام خمینی رحمه الله، حضرت آیت الله خامنه‌ای این نظریه را به مثابه یکی از کلیدی‌ترین «معارف انقلاب اسلامی» دانسته و «راز بزرگ» انقلاب را براساس آن تشریح می‌کند. ایشان در طول مدت رهبری خود، بارها و بارها با استناد به مفاهیم و منطق این

نظریه، مسائل کشور و جهان اسلام را تشریح می کنند.

مفهوم سازی های متعدد و کاربردهای فراوانی که در بیانات ایشان وجود دارد، حکایت از نقش محوری ایشان در بسط و احیای این نظریه ی کانونی، اما مهجور امام خمینی رحمه الله دارد. براساس بسط و کاربرست نظریه ی اسلام ناب-اسلام آمریکایی، در ادبیات حضرت آیت الله خامنه ای می توان ادوار دیگری را در تاریخ

حیات اجتماعی این نظریه تمیز داد. بر این اساس، نظریه‌ی اسلام ناب-اسلام آمریکایی به‌عنوان یک مفهوم و دال جدی در اندیشه‌ی امام و رهبری، پنج دوره‌ی متمایز را طی کرده است:

## ۱. طرح مبادی

منظور از طرح مبادی، دوره‌ای است که علی‌رغم تأکید بر معانی، مبانی و تضادهای معرفتی مطرح در این نظریه، هنوز ادبیات و واژگان اسلام ناب-اسلام آمریکایی به‌طور

جدی صورت‌بندی و مطرح نشده است. به‌عنوان نمونه، در اولین پیام سیاسی-اجتماعی به‌جای مانده از امام خمینی رحمه‌الله در تاریخ ۵ اردیبهشت ۱۳۲۳، تضاد میان دوگانه‌ی «قیام لله/قیام برای نفس» مطرح است. ۲ این دوگانه در سال‌های پس از خرداد ۱۳۴۲ با تعبیر مختلف میان اسلام ناقص و اسلام جامع، اسلام عدالت‌خواه و اسلام انقلابی مطرح می‌شود:

«اسلام دین افراد مجاهدی است که به دنبال حق و عدالت‌اند. دین کسانی است که آزادی و استقلال می‌خواهند. مکتب مبارزان و مردم ضد استعمار است. اما این‌ها اسلام را طور دیگری معرفی کرده‌اند و می‌کنند. تصور نادرستی که از اسلام در اذهان عامه به وجود آورده و شکل ناقصی که در حوزه‌های علمیه عرضه می‌شود، برای این منظور است که خاصیت انقلابی و حیاتی اسلامی را از آن بگیرند.»<sup>۳</sup>

امام خمینی رحمه الله این نگاه انتقادی نسبت به «شکل ناقص اسلام در حوزه های علمیه» را تا بالاترین سطوح مطرح کرده و این چنین است که حتی «رساله های عملیه» به عنوان محصول اندیشه‌ی مراجع تقلید وقت را نیز در این چارچوب، مورد نقد قرار می دهند که تفاوت های زیادی میان رساله ها، به عنوان متون مبنا در «آنچه به عنوان اسلام معرفی می شود» و منابع سنت اسلامی (قرآن و حدیث) به عنوان متون مبنا در اسلام واقعی،



وجود دارد. این تفاوت عمدتاً در دو مؤلفه‌ی «جامعیت» و «تأثیر عینی در زندگی» مشخص می‌شود و «نسبت اجتماعیات قرآن با آیات عبادی آن [برخلاف رساله‌های عملیه]، از نسبت صد به یک هم بیشتر است!»<sup>۴</sup>

از نظر ایشان، «آنچه به‌عنوان اسلام معرفی می‌شود»، «ناقص» است، ابعاد اجتماعی اسلام را در بر ندارد و «خاصیت انقلابی و حیاتی» از آن گرفته شده است. به همین دلیل، ایشان ضمن تأکید بر اهمیت ابعاد

عبادی اسلام و اینکه «البته مسائل عبادی را باید یاد بدهید»<sup>۵</sup> تأکید دارند که اسلام با محوریت قرار گرفتن مسائل دیگری مطرح شود: «اما مهم مسائل سیاسی اسلام است، مسائل اقتصادی و حقوقی اسلام است. اینها محور کار بوده و باید باشد.»<sup>۶</sup>

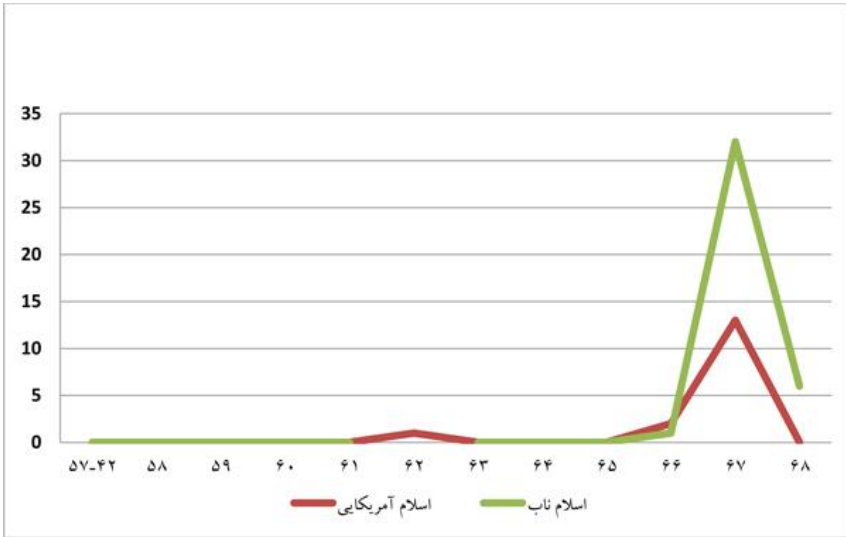
با این همه، به نظر می‌رسد ما در طرح مبانی و معانی این نظریه با دو دوره مواجه هستیم. اگر در سال‌های قبل از خرداد ۴۲ تأکید بیشتر بر طرح اسلام ناب بود، در دوره‌ی پس

از خرداد ۴۲، نفی اسلام‌های متحجر و  
متجدد پُررنگ‌تر می‌شود

## ۲. مفهوم‌سازی و صورت‌بندی

در سال آخر عمر امام خمینی رحمه‌الله،  
ایشان تجربه‌ی نظری و عملی ربع قرن  
درگیری میان قرائت انقلاب اسلامی از اسلام  
با اسلام مقدس مآب و اسلام متجددمآب را  
مفهوم‌سازی می‌کنند. پس از دو و نیم دهه،  
این درگیری ژرف معنایی، در قالب واژگان  
و مفاهیم دوگانه‌ی اسلام ناب-اسلام

آمریکایی چارچوب بندی می شود. بررسی ها نشان می دهد در جای جای پیام های رسمی و عمومی و نامه های خصوصی، حکومتی و عمومی امام خمینی رحمه الله در این دوره، از ادبیات و مفهوم سازی های این نظریه استفاده شده است. نمودار زیر فراوانی کاربرد دو واژه کلیدی این نظریه در ادبیات امام خمینی رحمه الله را در این دوره با دیگر سال ها مقایسه می کند.



نگاره‌ی یک: فراوانی کاربرد ادبیات اسلام  
 ناب-اسلام آمریکایی براساس زمان در آثار  
 امام خمینی رحمه‌الله

در واقع اگرچه معنا و نزاع معنایی اسلام  
 ناب-اسلام آمریکایی پیش از این مرحله،  
 عمری ۲۵ ساله دارد، اما واژگان اسلام ناب-

اسلام آمریکایی و مفاهیم برگرفته از آن، در این سال خلق می‌شوند. با این همه، تلاش امام خمینی رحمه‌الله در این دوره، تنها معطوف به خلق این واژگان نیست، بلکه ایشان تلاش می‌کنند براساس این دوگانه، منظومه‌ی نظری منسجمی را بازتولید و آن را در حوزه‌های مختلف مرتبط با انقلاب اسلامی، مانند فهم ماهیت انقلاب اسلامی، تحلیل چالش‌های فراروی انقلاب، سیاست‌های داخلی، اقتصادی و فرهنگی

نظام جمهوری اسلامی و همچنین سیاست‌های نهادهای حاکمیتی و انقلاب اسلامی، تئوریزه کنند.

### ۳. شرح نظریه

پس از امام خمینی رحمه‌الله، در شرایطی که ادبیات اسلام ناب-اسلام آمریکایی در فضای سیاست‌زده‌ی داخل کشور مورد طعن و قهر و یا مصرف انتخاباتی جناح‌های عمده‌ی سیاسی قرار گرفته است، آیت‌الله خامنه‌ای بار دیگر این ادبیات را در کانون

توجه‌ها قرار می‌دهند. ایشان طی دوره‌ای حدوداً یک‌ساله، به تشریح مفاهیم این نظریه پرداخته و با مفهوم‌سازی‌های متعدد، ادبیات این نظریه را گسترش می‌دهند. شاید بتوان نمونه‌ی کامل و جمع‌بندی این دوره را در پیام ایشان در اولین سالگرد رحلت امام خمینی رحمه‌الله مشاهده کرد. آنجا که کلیت مدرسه‌ی فکری امام خمینی رحمه‌الله و همچنین لایه‌های بنیادین و معرفتی انقلاب



اسلامی را در چارچوب دوگانه‌ی اسلام  
ناب-اسلام آمریکایی تشریح می‌کنند. ۷

## ۴. بسط نظریه

پس از دوران شرح متن نظریه‌ی اسلام ناب-  
اسلام آمریکایی، ما با دورانی در ارتباط با  
این نظریه مواجهیم که می‌توان از آن به  
دوران بسط این نظریه تعبیر کرد. در این  
دوره، ضمن اینکه شرح، مفهوم‌سازی و خلق  
مضامین جدید در ارتباط با این نظریه در

ادبیات رهبری انقلاب به وفور موج می زند، اما فراتر از تکرار ادبیات، تلاش می شود بسط این منطق دنبال شود. در این مرحله است که مضمون سازی ها و محورهای اصلی در ادبیات اسلام ناب-اسلام آمریکایی مورد توجه است، بی آنکه نیازی باشد واژگان این نظریه تکرار شود. بسط امر به معروف و نهی از منکر به حوزه های کلان سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و تقابل امر به معروف فردی/اجتماعی، مبارزه با اشرافیت (اسلام

اشرافیت)، مبارزه با فقر و فساد و تبعیض، مردم‌سالاری دینی، نوسازی معنوی، استقلال‌خواهی، کرامت‌انسانی، آزاداندیشی نظری و آزادی‌خواهی سیاسی-اجتماعی از فصول محوری ادبیات رهبری در این دوره است.

این ادبیات، مضامین نظریه‌ی اسلام ناب-اسلام آمریکایی را فراتر از الفاظ و واژگان نهفته در یک نظریه، به یک منطق فکری تبدیل می‌کند. ضرورت تاریخی-اجتماعی

این فرایند، این است که به اقتضای سیر  
اجمال به تفصیل انقلاب اسلامی، مفاهیم  
نظریه‌ی اسلام ناب-اسلام آمریکایی از  
دستبرد مصارف سیاسی خارج گردد. در  
صورتی که اگر این نظریه بدون این بسط و  
بازتولید معنایی در طول یکی دو دهه صرفاً  
تکرار می‌شد، نه تنها به دلیل کلیشه‌شدگی،  
کارآمدی خود را از دست می‌داد، بلکه  
چه‌بسا ظرفیت بسیج‌کنندگی و تولید  
سرمایه‌ی اجتماعی آن نیز مورد سوءاستفاده

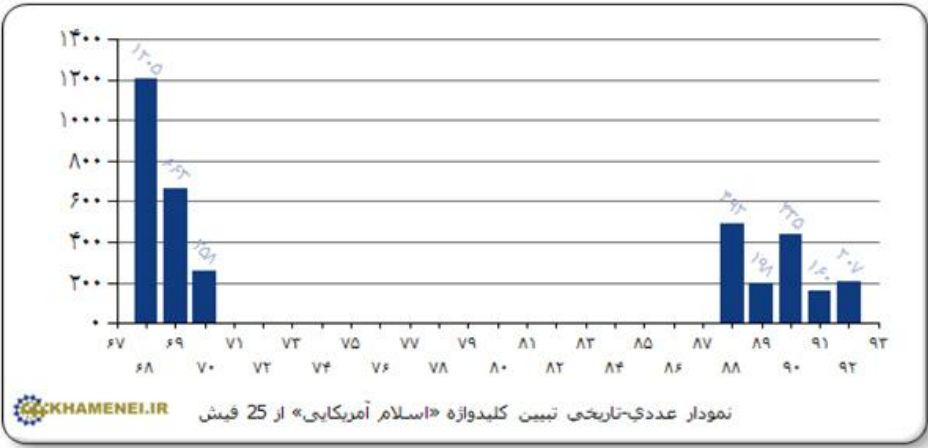
قرار می گرفت. اما از آنجا که مفاهیم اسلام ناب-اسلام آمریکایی، واژگان و ادبیاتی صرفاً تکرار شونده نبودند، جریان‌های اشرافیت سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نمی‌توانستند آن را به‌مثابه یک شعار، به مصرف سیاسی برسانند. بسط معنایی و مضمون‌سازی نظریه‌ی «اسلام ناب-اسلام آمریکایی» در این مرحله، آن را از تکرار، کلیشه‌شدگی و نهایتاً ابهام، بازمی‌دارد.

## ۵. بازخوانی مجدد متن نظریه

از سال ۱۳۸۸ به بعد، بار دیگر متن واژگان نظریه‌ی اسلام ناب-اسلام آمریکایی طرح می‌شود. گسل‌های جدی سیاسی-اجتماعی در داخل و خارج از کشور فعال شده‌اند. رهبر انقلاب اسلامی نیز برای تشریح این شکاف‌ها و نزاع‌های فتنه و بیداری اسلامی، بار دیگر متن ادبیات نظریه‌ی اسلام ناب-اسلام آمریکایی را مطرح می‌کنند. در این دوره است که ایشان نظریه‌ی اسلام ناب-اسلام آمریکایی را به‌مثابه چارچوبی برای

مطالعه‌ی انقلاب‌های بیداری اسلامی مطرح می‌کنند ۸ و در نهایت، در پیام اخیرشان به کنگره‌ی حج، کاربست این نظریه را به‌عنوان یکی از سه اولویت جهان اسلام، در ردیف مسائلی چون «اتحاد مسلمین» و «مسئله‌ی فلسطین» جای می‌دهند. ۹

نگاره‌ی دو، فراوانی کاربرد کلیدواژه‌ی اسلام آمریکایی در طول سال‌های ۶۸ تا ۹۲، نشان‌دهنده‌ی این سه مرحله است. ۱۰



نگاره‌ی دو: فراوانی کاربرد کلیدواژه‌ی «اسلام آمریکایی» در ادبیات حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در دوران رهبری ایشان، نشان‌دهنده‌ی سه دوره‌ی متمایز نظریه‌ی اسلام ناب-اسلام آمریکایی است.



همچنین نگاره‌ی زیر، ادوار پنج‌گانه‌ی نظریه‌ی «اسلام ناب-اسلام آمریکایی» را به‌طور خلاصه نشان می‌دهد.

ردیف	دوره	بازه تاریخی
۱	طرح مبادی	شهریور ۱۳۲۰ تا خرداد ۱۳۴۲
		خرداد ۱۳۴۲ تا سال آخر حیات امام
۲	مفهوم‌سازی و صورت‌بندی	سال آخر حیات امام (از پیام حج ۱۳۶۶ تا رحلت)
۳	شرح نظریه	اولین سال رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (۱۳۶۸-۱۳۶۹)
۴	بسط نظریه	۱۳۶۹-۱۳۸۸
۵	بازخوانی و طرح مجدد متن نظریه	۱۳۸۸ تاکنون

نگاره‌ی سه: ادوار نظریه‌ی اسلام ناب-

## اسلام آمریکایی

مسئله‌ی مهم دیگری که در نظریه‌ی اسلام ناب-اسلام آمریکایی امام خمینی رحمه‌الله

مطرح است اینکه از منظر ایشان، اسلام آمریکایی صرفاً اسلام غرب زده یا اسلامی که مورد تبلیغ یا حمایت مستقیم ایالات متحدهی آمریکا باشد، نیست. از منظر امام خمینی رحمه الله، تجدد و تحجر به مثابه دو مانع در فهم اسلام ناب عمل می کنند. قرائتی از اسلام که متأثر از این دو زمینهی اجتماعی ارائه می شود، اسلام تجدد و اسلام تحجر خواهد بود. اسلام آمریکایی عنوان عامی

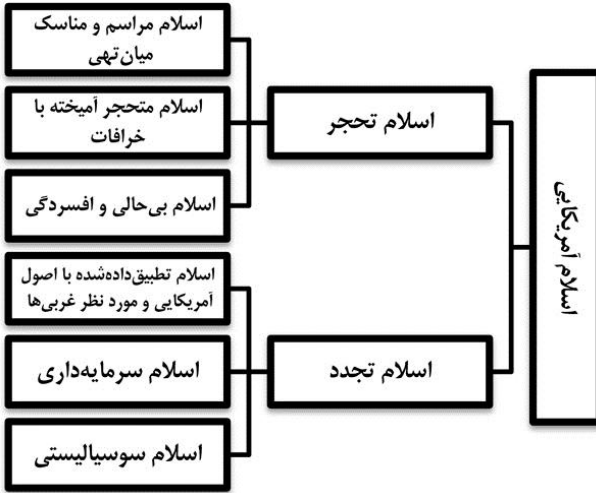
برای هر اسلام برخاسته از هر دوی این  
زمینه‌هاست.

از منظر رهبر انقلاب اسلامی، «اسلام  
آمریکایی فقط آن نیست که آمریکاپسند  
باشد»، بلکه اسلام آمریکایی هر چیزی است  
که «خارج از این اسلام ناب است.» ۱۱ در  
واقع در مفهوم‌سازی‌های این نظریه، هم  
«اسلام متحجرِ آمیخته با خرافات» و هم  
«اسلام تطبیق‌داده‌شده‌ی با اصول آمریکایی و  
مورد نظر غربی‌ها» مورد نقد هستند که «هر

دو این‌ها اسلام آمریکایی است.» ۱۲ از همین  
روست که از دیدگاه ایشان، اسلام آمریکایی  
دو نوع عمده دارد: «نوع لائیک و غرب‌گرا»  
و «نوع متحجر و خشن.» ۱۳



نگاره‌ی چهار: امام خمینی رحمه‌الله مفهوم  
اسلام آمریکایی  
را شامل موارد متعدد اسلام تجدد و اسلام تحجر  
می‌دانند.



نگاره‌ی پنج: حضرت آیت الله خامنه‌ای نیز مفهوم  
 اسلام آمریکایی را  
 در موارد متعددی درباره‌ی اسلام تجدد و اسلام تحجر به  
 کار می‌برند.

## پی نوشت‌ها:

۱. پیام به حجاج: ۸ مهر ۱۳۹۳:

<http://farsi.khamenei.ir/messa-27793ge-content?id=>

۲. صحیفه‌ی امام، ج ۱، ص ۲۱ تا ۲۳.

۳. ولایت فقیه، امام خمینی، ص ۱۰.

۴. همان، ص ۱۱.

۵. همان، ص ۱۴.

۶. همان، ص ۱۲۶.

۷. همان.

۸. بیانات در دیدار شرکت کنندگان در

اجلاس جهانی اساتید دانشگاه‌های جهان

اسلام و بیداری اسلامی، ۲۱ آذر ۱۳۹۱.

۹. پیام به حجاج، ۸ مهر ۱۳۹۳:

<http://farsi.khamenei.ir/messa>

[27793ge-content?id=](http://farsi.khamenei.ir/messa)

۱۰. کلیدواژه‌ی اسلام آمریکایی، بهتر این

سه مرحله را بازنمایی می‌کند؛ چراکه برخی

کاربردهای واژه‌ی اسلام ناب در ادبیات



رهبری، معنای عام‌تر و فراتر از اصطلاح  
اسلام ناب در این نظریه را نشان می‌دهد.

۱۱. بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان  
رهبری، ۲ مهر ۱۳۸۸.

۱۲. بیانات در دیدار کارگزاران نظام، ۲۹  
اردیبهشت ۱۳۸۲.

۱۳. خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران، ۱۴ بهمن  
۱۳۹۰.

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار  
حضرت آیت‌الله‌العظمی سیدعلی خامنه‌ای

# (مدظله العالی) - مؤسسه پژوهشی فرهنگی انقلاب اسلامی

اگر راه امام را گم کنیم یا فراموش کنیم یا خدای نکرده  
عمداً به کنار بگذاریم، ملت ایران سیلی خواهد خورد...  
مسئله‌ی تحریف شخصیت امام... خطر بزرگی محسوب  
می‌شود... آن راهی که میتواند مانع از این تحریف بشود،  
بازخوانی اصول امام است.

رهبر انقلاب اسلامی

۱۴ خرداد ۱۳۹۴

حفظ امام